

پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۴  
 وطن امروز | شماره ۴۴۳۸

## [ ورزشی ]

### یادداشت

### زنجیره مصدومیت هادر بارسا آزمون بزرگ فلیک بحران تن خسته

بارسلونا دوباره در میان توفانی ایستاده است که این بار نه از جنس نتایج، بلکه از تن خسته بازیکنانش

**سعیدغلامحسینی**

برخاسته. تیمی که با جاهللی و انرژی وارد فصل جدید شد، حالا به شکلی بی‌سابقه با بحران مصدومیت روبه‌رو است؛ بحرانی که در یک ماه و نیم گذشته چهره آرام آبی‌ناری را به اتاقی از نگرانی و بازنگری بدل کرده است. از اواخر آگوست تا امروز، بیش از ۱۰ بازیکن بارسا از ترکیب خارج شده‌اند و فهرست مصدومان روزبه‌روز طولانی‌تر می‌شود؛ از ستاره‌های باتجربه تا استعدادهای جوانی که قرار بود آینده باشگاه را بسازند.

■ **اعتراف فلیک**

هانسکی فلیک، سرمربی آلمانی، چند روز پیش در مصاحبه‌ای با چهره‌ای گرفته اعتراف کرد چنین وضعیتی در آغاز فصل طبیعی نیست، او گفت کادر فنی در حال بررسی همه جزئیات تمرینات بدنی و تغذیه است تا علت واقعی این حجم آسیب‌دیدگی مشخص شود. با این حال، پیش از آنکه پاسخی قطعی به دست آید، ۳ نام دیگر نیز به فهرست مصدومان اضافه شد: روبرت لواندوفسکی، دنی اولمو و فران تورس. برای فلیک که در حال ساختن تیمی متکی بر سرعت و فشار بالا بود، غیبت همزمان این ۳ می‌تواند تمام نقشه‌های تاکتیکی‌اش را تغییر دهد.

آغاز بدشانسی‌ها را باید در واپسین روزهای تابستان جست‌وجو کرد؛ زمانی که گاوی، موتور جوان خط میانی، با آسیب‌دیدگی جدی از ناحیه زانو مواجه شد. پزشکان ابتدا تصور می‌کردند درمان محافظه‌کارانه کافی است اما شدت پارگی مینیسک چنان بود که او ناچار به جراحی شد و حالا باید ۵ ماه از میادین دور بماند. تنها چند روز بعد، بالدو در جریان تمرین دچار کشیدگی همسترنگ شد و یک ماه از ترکیب دور ماند. هنوز او بازیگشته بود که نوبت به لامين یامال رسید؛ پدیده نوجوان اسپانیایی در اردوی تیم‌ملی اسپانیا دچار مصدومیت کشاله ران شد و با ناراحتی به بارسلونا بازگشت. فلیک در آن زمان از استفاده بیش از حد یامال در تیم ملی اسپانیا ابراز خشم کرد اما کار از کار گذشته بود: او ۳ بازی لیگ و یک دیدار اروپایی را از دست داد.

■ **چند مصدوم جدید!**

طی هفته‌های بعد، این سلسله به شکلی کابوس‌وار ادامه یافت. فرمین لوپز پس از بازی مقابل ختافه با درد عضلانی زمین را ترک کرد و ۳ هفته از میادین دور شد. در همان مقطع، خوان گارسیا دروازه‌بان جوان و رافینیا وینگر پرتازنی نیز در دیدار برابر اوویدو مصدوم شدند. گارسیا سومین بازیکن بارسا بود که در همین فصل زیر تیغ جراحی رفت؛ پیش از او تراشتگن و گاوی نیز مجبور به عمل شده بودند. رافینیا هم با مصدومیت در ناحیه همسترنگ‌راست، فلیک را از یکی از کلیدی‌ترین گزینه‌هایش در حمله محروم کرد.

در آستانه وقفه بازی‌های ملی، بار دیگر یامال احساس ناراحتی کرد و فلیک ترجیح داد او را از ترکیب بیرون بکشد تا آسیب عمیق‌تر نشود اما همان فیفادی که قرار بود فرصتی برای استراحت و بازسازی باشد، خود به جاعه‌ای تازه تبدیل شد. در دیدارهای تیم‌ملی اسپانیا، دنی اولمو از ناحیه ساق با دچار آسیب شد و فران تورس نیز با ناراحتی عضلانی به بارسلونا بازگشت. هرچند خوشبختانه آسیب تورس سطحی بود اما پزشکان تأکید کردند باید چند روز استراحت مطلق داشته باشد.

■ **بتر خلاص را لوا رد**

با این وجود، خبر نگران‌کننده اصلی روز سه‌شنبه رسید: مصدومیت لواندوفسکی، گلزن بزرگ لهستانی، پارگی همسترنگ پای چپ او باعث شد فلیک برای چند هفته از مهاجم شماره یک خود محروم شود؛ غیبت احتمالی در ال کلاسیکو شوکی سنگین برای هواداران است. این سومین مصدومیت جدی در خط حمله طی کمتر از ۲ هفته بود و معنایش روشن است: بحران به قلب سیستم تهاجمی تیم نفوذ کرد.

در چنین شرایطی، پرسش‌های پرسش‌های هواداران و کارشناسان را پر کرده است: آیا دلیل این حجم از مصدومیت‌ها بدشانسی است یا اشتباه در برنامه تمرینی؟ برخی گزارش‌ها از فشار بیش‌ازحد در جلسات بدنسازی فلیک حکایت دارند، در حالی که عده‌ای تقویم فشرده بازی‌ها و کمبود دوران آماده‌سازی پیش‌فصل را عامل واقعی می‌دانند. حتی گروهی از پزشکان معتقدند زمین تمرین جدید باشگاه با ساختار سخت و خشک خود، در بروز آسیب‌های عضلانی مؤثر بوده است.

با تمام این تحلیل‌ها، واقعیت این است که فلیک حالا باید بدون نیمی از تیم اصلی‌اش مسیر را ادامه دهد. او در هفته‌های آینده مجبور خواهد شد از بازیکنان آکادمی لاس‌پاسیا بیش از همیشه استفاده کند؛ فرصتی برای نسل تازه توام با ریسکی بالا. هواداران بارسا می‌دانند این باشگاه بارها از دل بحران‌ها تولدی تازه یافته است؛ از دوران انتقال نسل پس از گواردیولا گرفته تا احیای تدریجی در سال‌های اخیر. با این حال، وسعت مصدومیت‌های کنونی چیزی فراتر از یک بحران موقت است؛ این هشداری است برای سیستم تمرینی و پزشکی باشگاه که نیاز به بازبینی جدی دارد.

در پایان، شاید بتوان گفت بارسلونا بیش از هر زمان دیگری به «سترگشت فکری» نیاز دارد؛ فرصتی برای بازگشت به اصول علمی و تنظیم مجدد بدن بازیکنانش. هنوز زمان برای اصلاح باقی است اما ادامه این روند می‌تواند هزینه‌ای سنگین در مسیر قهرمانی لالیگا و لیگ قهرمانان داشته باشد. برای فلیک، فصل تازه نه با لیختن شروع و نه هنوز امیدش تمام شده است؛ تنها راه عبور از این تاریکی، بازبایی سلامت و اعتماد در تیمی است که این روزها بیش از تاکتیک، از خستگی رنج می‌برد.



شامگاه سه‌شنبه شهر دوی، شبی روشن از جنس دل‌نگرانی و امید بود؛ جایی که تیم ملی ایران پس از روزهای نه‌چندان درخشان، توانست دوباره طعم برد را بچشد. پیروزی ۲ گله برابر تازانیا شاید ساده به نظر برسد اما در معنای درونی‌اش نشانی از «شروع دوباره» دارد. تیمی که ۳ بازی پیاپی رنگ برد ندیده بود، حالا از فشار ذهنی فاصله گرفت و دوباره لیختن را به اردویش بازگرداند. هرچند حریف آفریقایی در حد و اندازه رقیبای جدی نبود اما همین برد هم می‌تواند نقطه عطفی باشد برای بازسازی روحیه، نظم و اعتماد در تیمی که بشدت به آن نیاز داشت.

■ **بازسازی آرام و تدریجی**

امیر قلعه‌نویی در ایسن اردو، برخلاف عادت همیشگی‌اش، تصمیم گرفت دست‌به‌تغییر بزند.او می‌انگین سنی تیم را پایین آورد و چند بازیکن جوان را به ترکیب اصلی آورد تا هوای تازه‌ای در تیم جریان پیدا کند. این تصمیم، اگرچه ریسک خودش را داشت اما پیام مثبتی به اردو تزریق کرد: هیچ کس در تیم ملی صاحب جای ثابت نیست، همین نگاه باعث شد حتی بازیکنان باتجربه هم با انگیزه بیشتری وارد میدان شوند.

در جریان بازی، ایران نمایش منسجمی داشت؛ اگرچه گاهی ریتم تیم کند می‌شد اما در قیاس با دیدارهای گذشته نظم بیشتری در خطوط سه‌گانه دیده می‌شد. مالکیت توپ بالاتر بود، انتقال سریع‌تری از دفاع به حمله شکل گرفت و ۲ گل بازی، حاصل هماهنگی و دقت در تصمیم‌گیری نهایی بود. با این حال، همچنان ضعف‌هایی در فاز دفاعی مشهود است؛ بویژه در بازگشت‌های کند مدافعان پرسن و سال و فاصله زیاد میان هافبک‌های میانی که گاهی فضاهای خطرناکی در اختیار حریف قرار داد.

■ **حریفی برای بازگشت اعتماد به نفس**

تازانیا تیمی در حال بازسازی است و در رده‌بندی جهانی جایگاه بالایی ندارد اما گاهی یک پیروزی ساده می‌تواند بیش از یک نتیجه مهم، «کار کرد روحی» داشته باشد. تیم ملی در ماه‌های گذشته زیر فشار انتقادات بوده از سبک بازی گرفته تا انتخاب بازیکنان و ترکیب تاکتیکی. در چنین شرایطی، بردن تیمی حتی ضعیف به منزله آرام‌سازی فضا و بازگرداندن تمرکز به کادر فنی است.

تازانیا با ترکیبی جوان با به میدان گذاشت و در بسیاری از لحظات بازی بیشتر به آزمون و خطا مشغول

هشدار مستقیم قلعه‌نویی: حضور هیچ بازیکنی در ترکیب اصلی قطعی نیست

## عصر بی‌تضمینی

پیروزی ۲ گله ایران برابر تازانیا گرچه توانست زخم شکست برابر روسیه را اندکی التیام بخشد اما چهره امیر قلعه‌نویی در پایان بازی نشان می‌داد این نتیجه برای او کافی نیست. سرمربی تیم ملی در نشست خبری پس از مسابقه، با صراحتی کم‌سابقه از نازراضی‌اش از عملکرد برخی ستاره‌های تیم ملی گفت:جملاتی که حالا به منزله «هشدار رسمی» به تعدادی از بازیکنان پرنام و نشان فوتبال ایران تعبیر شده است. قلعه‌نویی که در روزهای گذشته زیر تیغ انتقادات تند رسانه‌ها قرار داشت، این بار با نگاهی جدی‌تر به اردو و ترکیب آینده تیم ملی پرداخت. او در پاسخ به پرسش‌ی درباره افت کیفی برخی بازیکنان گفت: «وقتی بازیکنی در سطح ملی قرارداد چند صد هزار دلاری دارد، باید نگرش حرفه‌ای داشته باشد. متأسفانه بعضی‌ها از نظر فکری و بدنی افت کرده‌اند و توقع ما را برآورده نمی‌کنند. فکر نمی‌کنم در اردوهای بعد در کنار ما باشند». همین جمله کوتاه کافی بود تا خبر حذف احتمالی چند ملی‌پوش نامدار از لیست آینده تیم ملی به تیترا اصلی رسانه‌ها بدل شود.

سرمربی تیم ملی البته در ادامه از بازیکنانی نیز نام برد که در دیدارهای اخیر اعتماد او را جلب کرده‌اند. به گفته او، چهره‌هایی مثل امیرحسین حسین‌زاده با انگیزه و کیفیت بالا بازی کردند و در دایره جدید تیم ملی قرار گرفته‌اند. این نگاه نشان می‌دهد قلعه‌نویی قصد دارد از چهره‌های جوان‌تر بهره ببرد که هنوز در گریب حاشیه‌های ستارگی نندهدان و با تمام انرژی در تمرینات حاضر می‌شوند.

در ادامه نشست، لحن ژنرال کمی آرام‌تر شد اما انتقادهایش همچنان پابرجا بود. او از مشکلات زیرساختی فوتبال ایران گفت؛ از زمین‌های بی‌کیفیت گرفته تا نبود میزبانی در ورزشگاه آزادی. اشاره کرد که استقلال و پرسپولیس حتی برای تمرین در شرایط مناسبی نیستند و این مساله مستقیماً روی عملکرد بازیکنان ملی‌پوش‌شان تأثیر گذاشته؛ با این حال تأکید کرد: «من نمی‌توانم پشت این مشکلات پنهان شوم.

وقتی بازیکن ملی هستی، باید در هر شرایطی بهترین خودت باشی».

به نظر می‌رسد فیفادی بعد که با بازی‌های سخت‌تری برابر کپ‌پورد و شاید مصر همراه خواهد بود، صحنه تغییرات اساسی در فهرست تیم ملی باشد. فاصله کمتر

بردی برای بازگشت اعتماد به تیم ملی اما هنوز راه مانده

# امید دوباره

بود تا رقابت. با این حال، حضور چنین حریفی فرصت خوبی بود تا برخی بازیکنان تیم ملی در فضایی کم‌تنش، خود را نشان دهند. جوانانی که شاید در بازی‌های بزرگ‌تر مجال خوندنمای پیدا نکنند، حالا شانس پوشیدن لباس ملی را تجربه کردند.

■ **میان امید و واقع گرایی**

ایسن پیروزی را نباید بزرگ‌تر از اندازه واقعی‌اش دانست اما نباید هم نادیده‌اش گرفت. تیم ملی در چند ماه گذشته با بحران اعتماد و بی‌انگیزگی روبه‌رو بود. حالا با این برد، انرژی تازه‌ای در اردو جریان یافته. مهم‌تر از نتیجه، نوع واکنش بازیکنان پس از بازی بود؛ چهره‌هایی آرام، شوخی‌های صمیمانه و حس همدلی در اردوی تیم ملی. این همان چیزی است که قلعه‌نویی همیشه بر آن تأکید دارد: «بردن فقط در زمین نیست، در ذهن هم باید پیروز شوی».

با این حال، کارشناسان معتقدند این تیم هنوز از انسجام تاکتیکی لازم برای مقابله با حریفان جدی‌تر برخوردار نیست. در برابر تیم‌هایی در رده‌های بالاتر، ساختار دفاعی شکننده می‌شود و خلایق‌ت در حمله کاهش می‌یابد. شاید وقت آن رسیده کادر فنی علاوه بر حفظ روحیه، با نگاهی واقع‌گرایانه‌تر به رفع ایرادهای ساختاری بپردازد؛ از چیدمان مدافعان تا طراحی حملات از کنارها که در این بازی کمتر دیده شد.

■ **چالش‌های پیش رو**

برنامه تیم ملی تا جام جهانی، پر از بازی‌های تدارکاتی است که می‌تواند مسیر این تیم را روشن کند. قلعه‌نویی در این راه به ثبات فکری نیاز دارد؛ نه اسیر هیجان برد شود و نه رسانه‌ها و پیشکسوتان با یک شکست دیگر همه چیز را زیر سؤال ببرند. فوتبال ملی، برخلاف لیگ باشگاهی، مجالی برای آزمون‌های پی‌درپی ندارد. هر بازی، تصویری است که در ذهن مردم می‌ماند. پس هر تغییر باید سنجیده باشد. اگر روند فعلی با همین آرامش و منطقی پیش رود، می‌توان امیدوار بود تیم ملی به مرور به ترکیبی متعادل‌تر و خلاق‌تر خواهد رسید؛ تیمی که در آن نه فقط بازیکنان، بلکه تفکر مربیگری نیز رشد کند.

■ **احترام به تلاش، نه عراق در نتیجه**

آنچه در این پیروزی ارزشمند است، نه فقط گل‌های زده، بلکه بازگشت به مسیر تلاش و تمرکز است. هواداران فوتبال ایران هم باید با نگاهی منصفانه‌تر قضاوت کنند؛ انتقاد لازم است اما تخریب بی‌وقفه نه. این تیم در حال پوست‌اندازی است و نیاز دارد حمایت و نقد همزمان را تجربه کند.

قلعه‌نویی و همکارانش باید بدانند اعتماد هوادار تنها با نتیجه به‌دست نمی‌آید، بلکه با «حس پیشرفت» بازسازی می‌شود.

اگر در بازی‌های آینده نشانه‌های پیشرفت تاکتیکی دیده شود، حتی یک تساوی هم می‌تواند ارزشمندتر از پیروزی باشد.

■ **پایان باز، راهی روشن**

در پایان، برد مقابل تازانیا نه افتخار بزرگی است و نه اتفاق

کوچک، بلکه قدمی آرام و ضروری برای بازگشت به آرامش بود. تیم ملی ایران هنوز با استانداردهای جهانی فاصله دارد اما مسیر درست از همین بازی‌ها می‌گذرد؛ از تمرین، از جسارت در تغییر و از پذیرش اشتباه. در جهانی که فوتبال به سرعت می‌چرخد، ثبات و صبوری گنجی است که هر تیمی ندارد. شاید این بار، تیم ملی ما آن را یافته باشد.

■ **نیمکت‌نشینی دروازه‌بان شماره یک**

در شبی که تیم ملی دوباره لیختن را تجربه کرد، خبری غیرمنتظره پیش از آغاز بازی توجه‌ها را جلب کرد: علیرضا بیرانوند، دروازه‌بان اصلی سال‌های اخیر فوتبال ایران، نیمکت‌نشین بود. مردی که نامش با خاطرات بزرگ ملی گره خورده، این بار از روی نیمکت، تماشاگر پیروزی هم‌تیمی‌هایش برابر تازانیا بود. تصمیم امیر قلعه‌نویی برای کنار گذاشتن بیرانوند از ترکیب، نه از سر بی‌اعتمادی، بلکه نشانه‌ای از رویکرد حرفه‌ای‌تر در تیمی است که دیگر با نام‌ها زندگی نمی‌کند، بلکه با آمادگی آشتی کرده.

بیرانوند در ماه‌های گذشته روزهای پرچالشی را پشت سر گذاشت. محرومیت چند ماهه ناشی از اختلاف با پرسپولیس و حواشی مکرر باعث شد از شرایط مسابقه دور بماند. بازگشت او با رأی تعلیق موقت محرومیتش از سوی دادگاه CAS صورت گرفت و بلافاصله هم از سوی قلعه‌نویی به اردوی تیم ملی دعوت شد. سرمربی تیم ملی که به همیشه به او اعتماد ویژه‌ای داشته، بی‌رنج جای ششم‌را یک را به او سپرد اما آنچه در دیدار مقابل روسیه رخ داد، نشانی از بیرانوند همیشگی نداشت. خروج‌های اشتباه، ارسال‌های نامهارنگ و واکنش‌های کم‌جان، یادآور روزهای اوج نبود. حتی آمار ساده بازی هم مهر تأییدی بود بر این افت فنی: بیش از ۱۵ بار واگذاری توپ به حریف و دریافت فنی پایین از رسانه‌های بین‌المللی. در چنین شرایطی، نیمکت‌نشینی او در دیدار دوستانه دوم برابر تازانیا تصمیمی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید. سیدپام نیازمند که در هفته‌های اخیر در لیگ برتر درخشش کم‌نظیری داشته و چند کلین‌شیت پیاپی را به نام خود زده، فرصت بازی پیدا کرد و با آرامش و تمرکز، دروازه ایران را بسته نگه داشت. شاید تازانیا حریفی در سطح آزمون بزرگ نبوده باشد اما عملکرد مطمئن نیازمند نشان داد رقابت برای پیراهن شماره یک حالا جدی‌تر از همیشه است.

بیرانوند در فوتبال ایران نمادی از اراده و بازگشت است؛ بارها سقوط کرده و دوباره برخاسته. شاید این نیمکت‌نشینی هم بخشی از همان مسیر پرفراز و نشیب باشد که او را ساخته. تصمیم قلعه‌نویی، هرچند سخت اما پیام روشنی دارد: هیچ جایگاهی در تیم ملی تضمینی نیست، حتی برای مردی که پنهالتی رواندلو را گرفته باشد. اگر بپرو دوباره تمرکز و انگیزه همیشگی‌اش را بازیابد، بازگشتش به ترکیب اصلی تنها زمان می‌خواهد؛ نه شانس. تیم ملی از رقابت درون تیمی سود می‌برد و شاید همین جدال آرام میان ۲ دروازه‌بان، در نهایت به سود تیم ملی تمام شود.

اعتراض تند هنرمند بزرگ ایتالیایی به دیدار تیم ملی کشورش با رژیم صهیونیستی

## نقاشی خون روی دیوار



سه‌شنبه شب، پس از دیدار پرحاشیه تیم ملی ایتالیا برابر رژیم صهیونیستی، خیابان‌های رم شاهد صحنه‌ای تکراردهنده بود. لایکا، هنرمند شناخته‌شده ایتالیایی، ساعاتی قبل از پایان مسابقه با تری اعتراضی بار دیگر نگاه‌ها را متوجه فاجعه انسانی در غزه کرد. روی دیوار روبه‌روی ساختمان فدراسیون فوتبال ایتالیا، عدد بزرگ «۶۷» نقش بست؛ یادآور ۶۷ هزار جان از دست‌رفته در غزه. کنار آن، توپ فوتبال غرق در خون بود و واژه «غزه» به عربی بر آن حک شده بود؛ تصویری که در چند ساعت، در فضای مجازی میلیون‌ها بار دیده شد.

این نقاشی که لایکا نامش را «مسابقه خونین» گذاشت، به نوعی پاسخ مستقیم به بازی بود. در طرح، مردی با لباس تیم رژیم صهیونیستی دیده می‌شود که اسلحه در دست دارد و پایش را روی توپ گذاشته است؛ ترکیبی از نظامی‌گری و ورزش که پیام هنرمند را بی‌برده منتقل می‌کند. لایکا در بیانیه‌ای که قبل از اتمام بازی منتشر کرد، نوشت: «آنچه می‌بینیم، نه یک مسابقه که نمایش ریاکاری است. فدراسیون فوتبال ایتالیا، یوفا و فیفا در برابر جنایت جنگی سکوت می‌کنند. همان نهادهایی که روسیه را از میادین محروم کردند، حالا چشمان‌شان را بر خون فلسطینیان می‌بندند. ظاهراً جنایت فقط وقتی محکوم می‌شود که قرب آن را مرتکب نشده باشد».

او در بخش دیگری از پیام خود، سخنان وزیر ورزش ایتالیا را یادآور شد که چندی پیش رژیم صهیونیستی را «مورد تهاجم» خوانده بود و افزود: «در ۲ سال گذشته ۶۷ هزار فلسطینی کشته شدند؛ به‌اندازه یک روزشگاه المپیک رم پر از مردان، زنان و کودکان. اما هنوز فوتبال ارزش جشن گرفتن دارد»؛ لایکا خطاب به بازیکنان تیم ملی کشورش نوشت: «کاش در ورزشگاهی خالی بازی می‌کردید، روبه‌روی شما ۱۱ حامی نسل‌کشی ایستاده بودند و پشت سرتان نهادهایی که در این جنایت شریکند». او در پایان از مردم خواست به جای ورزشگاه، در میدان شهر اودینه گردهم آیند؛ جایی که تظاهراتی در حمایت از مردم غزه برگزار می‌شد. اثر تازه لایکا حالا نه فقط دیواری در رم، بلکه وجدان میلیون‌ها نفر را به لرزه انداخته است؛ هنری که به جای تحسین، تلنگر می‌زند: «وقتی ۶۷ هزار بی‌گناه فلسطینی کشته می‌شوند، فوتبال چه‌ارزشی دارد»